مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
تکشماره ۱۵ ریال

سوسیالیسم علمی و بینش توحیدی

یکی از ویژگیهای انقلاب بزرگ ایران، نقش برجسته‌ایست که در آن «بینش توحیدی اسلامی»، بعنوان یکی از پرچمهای مهم معنوی جنبش بازی کرده است.

تلاش عده‌ای از مسلمانان مترقی وانقلابی، اهزاز روحانی وغیر روحانی، در پیدایش این بینش و اصول و احکام و استدلالات و هدف آن موثر بوده است. این بینش نوعی تعبیر و تفسیر مترقی ومعاصر از آیات قرآنی، بافیض‌گیری ازنظریات انقلابی اجتماعی معاصر است ومانند «الهیات آزادی»، که در کشورهای امریکای لاتین بعرصه آمده، عاطفهٔ مذهبی و سیاسی را برای تحرک مترقی اجتماعی پیوند میدهد.

اینکه «بینش توحیدی» هنوز در بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی، نظریات‌خودرا چنانکه قابل‌تطبیق برزندگی بغرنج یك جامعه معاصر صنعتی‌باشد، دقیق‌نساخته، واقعیتی است. ولی این‌نیز واقعیت‌است که چنین بینشی بوجود آمده و روند نضج یافتن خودرا طی می‌کند.

«بینش توحیدی» یك ایدئولوژی سیاسی- اجتماعی مبتنی بر اسلام، مبتنی بر قرآن است، یا بدیگر سخن، ازجهت ماهیت خود یك بینش مذهبی است. آیا مذهب میتواند در دوران ما به اهرم معنوی‌یك تحول مترقی اجتماعی بدل شود؟ واقعیت آنست‌که، بنابه تعریف مکرر انگلس، در قرون وسطی بارها مذهب، خواه در شرق، خواه در غرب، به درفش عصیان خلق بدل گردیده است، و از آنجمله تشیع در کشورما، در دست شیعیان زیدی و اسمعیلی و اثناعشری بارها .وبارها این نقش‌را ایفا کرده است.

در دوران معاصر، از زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی، این کوشش بکار رفته است که یك ایدئولوژی اسلامی بسود مردم و بزیان ستمگران تنظیم گردد. این روند در دوران رژیم گذشته، پس‌از دیر زمانی نضج و زمینه سازی، سرعت خاصی گرفت. این امر که رژیم همه راههای مخالفت و اپوزیسیون سیاسی را بسته بود، ولی مذهب را بناچار تحمل می‌کرد، موضوع تبدیل مذهب بیك ایدئولوژی سیاسی علیه‌رژیم‌را به لیاز روز بدل‌ساخت. برخی ازمتفکرین اسلامی، اهزاز روحانی وغیر روحانی، و از آنجمله امام خمینی و آیتاله طالقانی و آیتاله مطهری و مهندس مهدی بازرگان و دکتر علی شریعتی و ابوالحسن بنی‌صدر و جمعی دیگر، برای تنظیم ایدئولوژی سیاسی- اجتماعی اسلامی تلاشهای گونه‌گونی بکار بردند. تردیدی نیست که‌در تشکل این بینش، منازعات فکری نیز، چنانکه طبیعی است، رخ داده است. ما وارد این منازعات نمیشویم . تنها هدف ما آنست که آیا حزب تودهٔ ایران، که بینش سوسیالیسم علمی را دنبال می‌کند، در مورد این بینش توحیدی اسلامی، که پرچم مبارزهٔ جنبش انقلابی سالهای اخیر است، نظرش چیست؟

ما نظرخودرا دراین باره سالیاست ابراز داشته‌ایم، واین اظهار نظر، هنان بمرغ روز خوردن» نیست- یعنی روشی که ما ازآن متنفریم- بلکه اظهار نظر اصول مبتنی بر تحلیل علمی جریان است.

همانطور که آیتاله طالقانی بارها ابرازداشته، که‌مابین این‌بینش توحیدی قرآنی در بهاره تحول و تکامل جامعه امروز ایران و خواستهای آموزش سوسیالیسم تناقضی از جهت هدف نمی‌بیند و داستان «لوزم، عنب وانگور» را بعنوان مثال آورده ، ما نیز بوجود این حمانندیهای خصوصی معتقدیم و اختلاف‌لفظ مارا چهار دغدغه‌ای نمی‌کند. بقول مولوی:

«خاضیانی که بظاهر می‌تنند
حکم بر احوال ظاهر می‌کنند
ماکه باطن‌بین و نیکو بخیریم
قلب بینیم و بظاهر ننگریم»

ایجاد جامعه قسط و عدل اسلامی، دفاع از منافع مستضعفین در قبال مستکبرین، ایجاد امت اسلامی برپایه توحید اجتماعی آحاد این است ، رفع تمایزات ناشی از بی‌عدالتی و تامین اخوت انسانها، مبارزه علیه مراکز سیطره‌های قدرت سیاسی و مالی در مقیاس جهان (امپریالیسم)و در مقیاس جامعه (سرمایه‌داری بزرگ)، همه وهمه شعارهائی‌است که‌برای مدافعان توده‌های مولد و زحمتکش، مفهوم ومطبوع‌است. براساس همین شعارها، نبرد بی‌امان با رژیم سرمایه‌داری وابسته سلطنتی (که آنرا در اصطلاح طاغوت» نامیده‌اند) انجام گرفت وعلیه حامیان امپریالیستی این رژیم انجام می‌گیرد. این مبارزه نیز مورد تائید وپشتیبانی ماست وما خود درآن باتمام نیرو شرکت می‌ورزیم.

لذا ما تصور می‌کنیم که‌یك پایهٔ فکری و معنوی جالبی برای تنظیم‌برنامه مشترك اصلاحات اجتماعی، بین هواداران سوسیالیسم علمی و طرفداران بینش توحیدی ، وجود دارد .

ما درگذشته‌نیز گفته‌ایم که حزب تودهٔ ایران یك حزب سیاسی است ونه یك جریان مذهبی . زحمتکشان‌مسلمان برنامهٔ این حزب را بسبب محتوی عادلانه‌اش که‌بسود آنهاست، می‌پذیرند، بی‌آنکه معتقدات اسلامی خودرا بکنار گذارند. حزب بحفظ ترك این معتقدات را شرط قبول عضویت وپیروی ازسیاست حزب قرار نمیدهد، بلکه باین معتقدات، که ریشه‌های ژرف اجتماعی دارد، احترام می‌گذارد.

بخش روشن‌بین روحانیت مبارز و کسانی‌که در زیر پرچم این روحانیت به‌پیکار اجتماعی عادلانه‌ای مشغولند ، تصور می‌کنیم این مشی حزب مارا درك می‌کند و به‌آن ارج لازم را می‌گذارد یاخواهدگذاشت .

ما درجادهٔ اصولیت خود، صبورانه و سرسختانه می‌سپریم و علی‌رغم هر زیرو بمی که تاریخ معاصر ایران طی کند، نه ازاین شکیب ونه از این سرسختی در راه و تعقیب هدف ،ازهیچیك دست نمی‌کشیم، زیرا مطمئنیم که هر سیاست دیگری که بخواهد منافع اساسی‌مردم ایران را در راه استقلال ،

بقیه در صفحه ۲

پایه‌های اقتصاد شکوفان و مستقل را باید در همین دوران گذار استوار کرد.

اقتصادی که رژیم سرنگون شده از خود برای ایران پس‌از انقلاب به میراث گذاشت، درنتیجه سیاست‌های خائنانه سلسله پهلوی، اقتصادی سخت عقب‌مانده ، ناهماهنك ، وابسته و آشفته است . ارقام زیر، این واقعیت‌را نشان میدهد :

درحالیکه صنعت نفت به‌تنهائی حدود ۵۱ درصد تولید داخلی را تامین میکند، سهم کشاورزی درآن اندکی بیش ازدرصد ،صنایع (شامل صنعت، معدن، ساختمان، آب‌وبرق) مجموعا ۱۴ درصد و بخش خدمات ۳۶درصداست. این ارقام‌که حاکی ازرشد نابجهز رشته‌های بسیار مهمی است‌که بایدکشور را ازلحاظ مواد غذائی ، مواد خام صنعتی ، ماشین‌آلات ،امور ساختمانی،انرژی، آب وغیره‌تامین کند، هم‌بیانگر عقب‌ماندگی اقتصاد ایران‌و هم‌نشانه ناهماهنگی میان رشد این رشته‌ها است. صنایع تولید وسایل تولید، که بزرگترین عامل استقلال اقتصادی کشور است، جزدر رشته‌هایی که‌به کمك کشورهای سوسیالیستی ایجادگردیده . تقریبا بوجود نیامده است .

سهم بسیار بزرگ نفت در تولید داخلی ، زمانیکه این‌رشته دردست کنسرسیوم بود، تسلط امپریالیسم را برعمده‌ترین رشته فعالیت اقتصادی، که بیش‌ازنیمی ازتولید داخلی‌را تامین میکرد، نشان میداد. اکنون نیز که دست کنسرسیوم از این منبع حیاتی‌کوتاه شده ، وابستگی یکجانبه نیمی از درآمد کشور به‌بازار جهان سرمایه‌داری، بخصوص جهان امپریالیسم، بجای خود باقی است .

درآستانه انقلاب، بیش‌از ۳۰ درصد کالاهای لازم‌برای سرمایه‌گذاری ثابت‌ازراه واردات «کالاهای سرمایه‌ای» ازکشورهای امپریالیستی تامین‌میشد، که‌نشانه وابستگی کامل رشته‌های تولیدی، بخصوص صنایع کشور، به‌تکنیك استعمارهای خارجی است . حتی بخش عظیمی از مواد اولیه‌و خام صنایع کشور ازخارج واردمیشد. بیش‌از ۶۶ درصد کل واردات ایران را «کالاهای‌واسطه» یاهمان موادخام واولیه و نیمه‌سازی‌تشکیل میدهد ، که بخش بزرگی ازصنایع، بخصوص صنایع مولتاژ کشور راتغذیه میکنند . بیش‌از۷۵درصد واردات‌ایران راکشورهای امپریالیستی دردست دارند. بزرگترین بانکهای خصوصی‌دردست سرمایه‌داران بزرگ وابسته است که سرمایه‌های تولیدی و تجاری وبانکی‌آنها بسرمایه‌های خارجی درآمیخته است . حتی رشته بیمه نیزاز طریق بیمه‌های اتکائی وابسته به سرمایه‌های خارجی است .

تمام‌این ارقام نمودار وضع اقتصادی فلاکتباری است‌که رژیم‌سابق‌برای مردم ایران بجا گذاشته است. باید اضافه کرد که‌رکود و پریشانی وبحرانی که‌اقتصاد ایران درآخرین سالهای سلطه رژیم سابق دچارآن بود، در دوران انقلاب بطورناگزیر تشدید شدو پس‌ازانقلاب نیز خرابکاریهای امپریالیسم و سرمایه‌داران بزرگ وابسته وعمال‌آنها و تحریکات گروههای‌چپ‌روچپ‌نما، بازهم برحدت این‌رکود و بحران و ناسامانی افزود.

اکنون ایران پس‌ازانقلاب، بایك اقتصاد عقب‌مانده،ناهماهنك ،وابسته، آشفته ودرهم کوفته‌ای روبرو است. درنتیجه فقدان مواد اولیه، وسایل یدکی، اعتبار لازم ومدیریت‌صالح، بخش قابل ملاحظه‌ای‌از کارخانه‌ها وواحدهای‌تولیدی دستخوش تعطیل‌است و یا باظرفیت کامل‌کار نمیکند، بحران‌کشاورزی همچنان ادامه دارد و کارهای ساختمانی درحال رکود است ، بیکاری‌گرانی، کمبای کالاهای مصرف عمومی ،کمبود درمسکن ، بهداشت ، آموزش وغیره‌نه‌تنها کارگران و دهقانان ، بلکه قشرهای متوسط جامعه رانیز زیرفشار تحمل ناپذیر و فرساینده قرارداده و موجب نارضائی روزافزون توده مردم گشته‌است. امپریالیسم وضد انقلاب و گروههای انحرافی ازاین نارضائی‌برای برانگیختن مردم علیه انقلاب و رهبری آن سوء استفاده میکنند .

سالم‌کردن اقتصاد ایران و بهبودحال زحمتکشان ،ازسوئی مستلزم‌یك برنامه کوتاه مدت برای پایان دادن به پریشانی و آشفتگی‌ناشی‌از انقلاب و خرابکاریهای امپریالیسم خارجی و ضدانقلاب داخلی است وازسوی‌دیگرتنظیم واجرای یك برنامه علمی درازمدت برای خاتمه دادن به‌عقب ماندگی،ناهماهنگی ووابستگی اقتصادی رامیطلبد .

این دوبرنامه باید باهم پیوند داشته باشند . برنامه کوتاه‌مدت بایدزمینه کیفی تازه‌ای‌برای‌رشد آتی‌اقتصادکشور فراهم‌کند. اگرهدف‌برنامه کوتاه‌مدت رابسدین به‌سطح‌اقتصاد دوران قبل‌از انقلاب باهمان‌کیفیت‌وروابط ومعیارهای گذشته‌قراردهیم، دچاراشتباه‌شده‌ایم. واین‌اشتباهی‌است‌که دولت‌آقای‌بازرگان تاکنون مرتکب آن شده است .

بقیه در صفحه ۵

قاطعیت انقلابی است نه «دنباله روی»

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امپریالیستی،دمکراتیك وخلقی، انقلابی است برای رهائی مردم وکشورما ازیوغ امپریالیسم درتمام عرصه های سیاسی، نظامی، اقتصادی،مالی،فرهنگی، انقلابی است برای تامین و تضمین آزادیهای دمکراتیك، آزادی عقیده، بیان،قلم، جمعیتها، احزاب، اجتماعات وغیره، و نیزحقوق دمکراتیك، حق‌کار، اعتصاب، مسکن، بهداشت، فرهنك وغیره.

این‌انقلاب به نخستین مرحله‌خود، یعنی واژگون ساختن ضد راهش- رژیم سلطنت استبدادی پهلوی - دست یافته، ولی انقلاب تمام‌نشده،هنوز باید باقاطعیت وپیگیر ادامه‌یابد تا به‌اهداف‌خودبرسد.

دوخصلت ودوهدف ضدامپریالیستی ودمکراتیك انقلاب، درشرایط مشخص کنونی، هم وزن نیستند. اگر هریك از این‌دوخصلت وهدف را دردوکفه‌ترازوئی قراردهیم، بایدکفه‌ترازوی ضدامپریالیستی انقلاب سنگینی کند. بعبارت دیگر آزادیهای‌دمکراتیك بایدورخدمت هدف ضدامپریالیستی انقلاب عمل‌کند.اگراز آزادیها بصورتی بهره برداری گردد که امپریالیسم مقهور و تسلیم معرفی شود، انقلاب‌اتمام‌شده‌عرضه‌دارد،هشیاری‌خلق را دربرابر دسائس‌ضدانقلابی‌تحدیر کند، یا ازآن بالاتر، امپریالیسم را طوری معرفی‌کندکه‌گویا دیگر «بسرعقل‌آمده»، میخواهد « بدون‌مداخله‌بحدت «همکاری اقتصادی» وحتی «همکاری‌نظامی»بسوی ما درازکند ، ویا اگر ازاین آزادیها بصورتی بهره گیری‌گردد، که اهداف ضد امپریالیستی انقلاب را بدست‌آمده وانمود ساخته بخواهد ازروی‌آن،بجهد، ودر نتیجه بجای ادامه مبارزه بسر ضد امپریالیسم و عمائل، نیروهای ضد امپریالیستی پیگیر را آماج تبلیغات قرار دهد، یك چنین بهره‌گیری از آزادیها نقض غرض‌است، ایجادمخاطره‌و خطر برای‌خودآزادیهاوحقوق دمکراتیك است.

بهمین دلیل حزب‌تودهٔ ایران، که اعتقاد راسخ به ضرورت حفظ وتامین و تحکیم وتضمین‌آزادیهاوحقوق‌دمکراتیك دارد، با استفاده ازاین آزادیها برای بزك چهره منحوف امپریالیسم، و یا برای‌کمك به سازشکرانی که میخواهند حرکت ضد امپریالیستی انقلاب‌راترمز کنند،ویادرلباس‌«انقلابی‌تر» ازانقلابیون ضد امپریالیستی، میخواهند «جهش» از روی اهداف هنوزبدست‌نیامده انقلاب‌را ممکن وانمود سازند ویا درکار ایجاد تفرقه درمیان نیروهای انقلابی بجای ادامه یورش برامپریالیسم‌اند، نمیتواند موافق باشد.

حزب‌توده‌ایران، با بررسی جامع و علمی آرایش نیروهای انقلابی، ضد انقلابی، سازشکار، و دمافوق انقلابی»، باین نتیجه رسیده‌است‌که‌درشرایط‌کنونی باید درراه پیشبرد انقلاب بسوی‌اهداف ضدامپریالیستی ودمکراتیك‌آن، باآتش توپخانه سنگین، امپریالیسم را هدف گیرد، بهمین دلیل حزب تودهٔ ایران‌در روند انقلاب، درکنار آن نیروهای مذهبی قرار گرفته است که درمبارزه برضد امپریالیسم قاطع، آشتی ناپذیر

بقیه در صفحه ۳

رویدادهای ایران

۱- تئوئیدیرژنف:اتحادشوروی از استقلال وحاکمیت ایران و مردم ایران حمایت میکند
۲- تظاهرات ضد امریکائی در ازلی
۳- حمله‌بکتابفروشی‌های‌تهران تدارك میشود
۴- اعلامیه‌ضدامپریالیستی‌حزب تودهٔ ایران ومامورین کمیته
۵- مالوئیست‌ها ماسك مذهبی دوآتشه می‌زنند
۶- آتش‌زدن دفترحزب تودهٔ ایران درقصرشیرین کارکیست؟
۷- آشنائی‌نمایندگان‌مطبوعات باوزیر خارجه
۸- اخبارنگران‌کننده‌ازخرمشهر وکنید
۹- چراازفروش‌مردم‌جلوگیری می‌کنند؟
۱۰- تشدید فعالیت ضد انقلاب درغرب ایران
۱۱- رادیو تلویزیون و درخواستهای مکررمردم
۱۲- دیدارها واعلام نظرهائی که مسکوت ماند
۱۳- افراد ارتشی ، درکنار مردم باید به‌انقلاب خدمت‌کنند

مشروح خبرها درصفحه ۲

قرار داد دوجانبه نظامی ایران وآمریکا باید بدون درنگ لغوشود